

فصلنامه سیاست خارجی
سال سی‌ام، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، صص ۷-۳۹

۱

شخصیت‌شناسی رهبران و جایگاه آن در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی

منصور رحمانی^۱ / مهسا رسولی‌فر^۲

۱. منصور رحمانی، عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه dr_mrahmani@yahoo.com
۲. مهسا رسولی‌فر، دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه mahsa.rasoulifar@yahoo.com
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵) (تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱/۲۸)

چکیده

یکی از کلیدی‌ترین مباحث در سیاست خارجی، مقوله تصمیم‌گیری و تصمیم‌های اتخاذشده رهبران در این عرصه است. در تبیین این مهم با شرح مدل روانشناسی شناختی (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مدل‌های تصمیم‌گیری) اهمیت محیط روانشناختی در ذهن فرد (که شخصیت نیز در این مقوله قابل طرح است) و محیط عملیاتی (که تصمیم در آن اجرا می‌شود) در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی آشکار می‌شود. نظریه‌های بسیاری در حوزه شخصیت‌شناسی مطرح شده است که در این بین «نظریه روانشناسی شناختی» بیشتر بر مؤلفه‌های ذهنی و محیطی تأکید داشته است، اما یکی از ضعف‌های اساسی آن، غفلت از مؤلفه‌های وراثتی است که می‌توان با کمک مکتب اناگرام و تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه مطرح در آن، این کاستی را رفع کرد. گرچه هر یک از ابناء بشر دارای شخصیتی منحصر به فرد و خاص است، اما الگوهای شخصیتی ثابتی بین آنها وجود دارد که با شناخت این الگوها می‌توان تا حد زیادی تصمیم‌های آنها را پیش‌بینی کرد و یک پژوهشگر سیاسی با کشف کلیدهای روان‌کاوی رفتارهای سیاسی، قادر به شناخت و پیش‌بینی و حتی تغییر این رفتار خواهد بود. به‌منظور شناخت شخصیت رهبران، روش سایکوبیوگرافی بر مبنای تحلیل محتوا مناسب است. در نهایت تمامی افراد از جمله رهبران سیاسی در یکی از تیپ‌های شخصیتی گنجانده می‌شوند که با شناخت آن تیپ شخصیتی می‌توان تصمیم‌ها، رفتارها و اقدامات سیاسی آنها را تحلیل و سپس پیش‌بینی کرد.

▪ واژگان کلیدی:

روانشناسی شناختی، شخصیت‌شناسی رهبران، اناگرام، تصمیم‌گیری، سیاست خارجی

مقدمه

روانشناسی سیاسی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای با سطح تحلیل فردی، یکی از منابع پژوهش‌های سیاسی - اجتماعی به حساب می‌آید که با توجه به ارزش‌ها، هویت و باورهای افراد، الگوهای تصمیم‌گیری آنها را ترسیم می‌کند. تعاملات ما با دیگران متأثر از انتظارات ما از آنان و بر پایه پیش‌بینی رفتارشان است. به‌شکل دقیق‌تر باید گفت این انتظارات ریشه در شناخت ما از شخصیت آنان دارد، حال آنکه یک پژوهشگر در حوزه علوم سیاسی با علم به اینکه دست‌کم بخشی از سرنوشت مردم هر سرزمینی در گرو تصمیم‌های سیاست‌گذاران آن سرزمین است، مطالعه در این حوزه و شناخت شخصیت سیاست‌گذاران را نه تنها مهم، بلکه ضروری می‌داند.

بسیاری از کتاب‌های تألیف‌شده با عنوان «روانشناسی سیاسی» فقط به برخی از جنبه‌های این حوزه مطالعاتی پرداخته و روانشناسی رهبران را در حد یک فصل، خلاصه کرده و یا تنها به ذکر برخی نکته‌های مرتبط با زندگی شخصی رهبران و تصمیم‌های آنها بسنده کرده‌اند. شخصیت افراد و به‌ویژه رهبران در تصمیم‌های آنان و به‌تبع آن بر سیاست خارجی کشور تأثیرگذار است.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که «تأثیر شخصیت رهبران بر روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی چگونه ارزیابی می‌شود؟». در این راستا با توجه به اینکه علاوه بر شناخت عوامل مؤثر بر شخصیت به‌طور عام، نیازمند شناخت مؤلفه‌های سیاسی شخصیت به‌ویژه در مورد رهبران هستیم، این پرسش نیز مطرح است که چگونه می‌توان الگوهای شخصیت رهبران سیاسی را شناخت؟ چگونه می‌توان با استفاده از تیپ‌های شخصیتی به پیش‌بینی رفتار رهبران پرداخت؟ و فیلترهای شناختی شخص رهبر را چگونه می‌توان کشف کرد؟

پژوهش حاضر درصدد بررسی چگونگی تأثیرگذاری شخصیت رهبران سیاسی بر مدل تصمیم‌گیری سیاست خارجی با این فرضیه است که در صورت شناخت شخصیت تصمیم‌گیرندگان (در دولت‌های شخصیت‌محور) تصمیم‌های آنها در حوزه سیاست خارجی تا حدی قابل پیش‌بینی است.

در این پژوهش از میان چهار روش عمده برای گردآوری اطلاعات که شامل مشاهده، پرسش‌نامه، مصاحبه و کتابخانه‌ای هستند (حقیقت، ۱۳۹۱: ۷۴) از روش - یا به نقل از دکتر صادق حقیقت - از فن^۱ کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ زیرا این فن در پژوهش‌های بنیادین و اندیشه‌ای، کاربرد بیشتری داشته و به علاوه سوژه مورد مطالعه که رهبر سیاسی است با هیچ کدام از سه ابزار دیگر، قابل بررسی نیست. علاوه بر این، با روش تحلیل محتوا و مطالعه زندگی‌نامه خودنویسه و دیگری نوشته شخصیت‌های برجسته، نکات کلیدی شخصیت‌های آنها استخراج می‌شود. «این مدارک بیش از داده‌های دیگر به مشاهده نزدیک هستند، گرچه امکان فاعلی‌نگری نیز وجود دارد، اما وسعت مشاهدات می‌تواند این خلاء را جبران کند» (مای لی، ۱۳۸۷: ۲۰). از آنجاکه تأثیرگذارترین بازیگران در عرصه سیاست خارجی، رهبران سیاسی دولت‌ها هستند، اهمیت شخصیت‌شناسی آنها در دستور کار این مقاله خواهد بود. در این مقاله ابتدا به پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه اشاره‌هایی شده است، پس از آن عوامل مؤثر بر شخصیت و الگوهای شخصیتی بررسی شده و با تعمیم به شخصیت رهبران، وجوه تأثیرگذاری آن بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی بیان شده است.

۱. اهمیت روانشناسی سیاسی رهبران و پیشینه پژوهش

در دهه‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۴۰ به تاسی از روش فروید^۲ مطالعات گسترده‌ای در مورد شخصیت‌های سیاسی و تاریخی انجام شد که بخش عمده آنها به مشکلات نظری و روش‌شناختی فروید دچار بودند؛ مشکلاتی همچون بی‌توجهی به اطلاعات زندگی‌نامه‌ای، بی‌توجهی به فضای فرهنگی آن دوره تاریخی، تقلیل‌گرایی در شکل، توجه بیش از حد به جنبه‌های روانشناختی و محدود کردن جنبه‌های روانشناختی و شخصیتی افراد به ابعاد آسیب‌شناسانه، تمرکز شدید بر دوران کودکی و بی‌توجهی به کلیت زندگی فرد که مهم‌ترین مشکلات این مطالعات به‌شمار می‌آمدند (بنی‌جمالی، ۱۳۸۸: ۶۲). در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تحلیل‌گران سیاست خارجی به عوامل شناختی و روانشناسی بیشتر توجه کردند و

^۱. Technique

^۲. Freud

انگیزه‌های رهبران، نقشه‌های شناختی و ترسیم محیط و زندگینامه آنها مورد بررسی و پژوهش‌های متعددی قرار گرفت (یزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۲۵۸).

«نخستین تحلیل جدی درباره شخصیت و سیاست خارجی سه پژوهشی است که درباره وودرو ویلسون^۱ انجام شده است. نخستین پژوهش توسط فروید و بولیت^۲ (۱۹۶۷)^۱، پژوهش دوم توسط جرج و جرج^۳ (۱۹۵۶) و سومی توسط وینشتاین^۴ (۱۹۸۱) انجام شده است که تفاسیری شخصی را از شخصیت ویلسون ارائه می‌دهند» (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۱۷۵). نویسندگان این مقاله درصدد رد یا تأیید مطالعات پیشین نخواهند بود و تنها سعی دارند پس از بیان اهمیت روانشناسی سیاسی رهبران، به تبیین پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش بپردازند.

آنچه امروزه در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، روانشناسی سیاسی رهبران نامیده می‌شود، در واقع شکل بسط‌یافته و تحول‌یافته مطالعاتی است که از نیمه قرن بیستم و با نام سایکوبیوگرافی^۵ یا زندگینامه روانشناختی مطرح شده بود (بنی‌جمالی، ۱۳۸۸: ۶۰). «روانشناسی سیاسی از مطالعه رهبران و رفتار سیاسی جمع آغاز شد و به حوزه مطالعات روابط بین‌گروهی تصمیم‌سازی، آثار ارتباطات جمعی، جنبش‌های سیاسی و جابجایی‌های سیاسی گسترش یافت» (Erisen, 2012: 9).

تاریخ زندگی افراد و شرایط سیاسی، مؤلفه‌های مهمی در تغییر رویه تصمیم‌گیری به‌شمار می‌آیند. این امر برخلاف دیدگاه‌های غالب در نظریه واقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری است که قدرت و توزیع آن را به‌عنوان یک متغیر اولیه و مهم تلقی می‌کند و افراد را عناصری زاید^۶ در رویدادهای بین‌المللی می‌داند (Erisen, 2012 : 9). اهمیت روانشناسی رهبران هم از لحاظ تصمیم‌گیری آنها و هم از لحاظ سیاست‌های اتخاذشده توسط آنها که بر نحوه رأی‌دهی مردم تأثیر می‌گذارد، قابل بررسی است. روانشناسی سیاسی یک حوزه پویا

1. Woodrow Wilson

2. W.C. Bullitt

3. George & George

4. Weinstein

5. Psychobiography

6. Redundant

در علوم سیاسی است که به لطف فناوری و علم نورون‌شناسی و بررسی هرچه بیشتر ساختمان بدن و اعصاب، روزبه‌روز در حال پیشرفت است.

در مورد هدف روانشناسی رهبران گفته شده است که: «اگر هدف از مطالعه، ترسیم نتایجی درباره نخبگان سیاسی باشد، از آنجاکه به‌کارگیری نخبگان سیاسی به‌عنوان نمونه‌های آزمایشی، عملی دشوار است، نتایج به‌دست‌آمده ممکن است محدود باقی بماند و قابلیت انطباق عام را نداشته باشد» (Erisen, 2012: 14)؛ ولی این پیچیدگی تنها مخصوص رهبران سیاسی نبوده و از آنجاکه شخصیت هر فردی متمایز از دیگری است، به‌هر حال نتیجه‌گیری قطعی در مورد این مقوله بعید به نظر می‌رسد، اما الگوهای پایدار شخصیتی چه در افراد عادی و چه در نخبگان هر عرصه وجود داشته و می‌توان آنها را مبنای احتمالات قرار داد.

اهمیت روانشناسی رهبران سیاسی به‌اندازه‌ای است که دفتر خدمات استراتژیک سازمان سیا^۱ در آمریکا (پس از ظهور جنبش ناسیونال سوسیالیسم در آلمان) خود، مشوق مطالعاتی در زمینه شخصیت هیتلر بوده است. هدف آنها پیش‌بینی اقدامات بعدی هیتلر در جریان جنگ جهانی دوم بود. در سال ۱۹۴۲ به سفارش این مرکز، پژوهشی درباره هیتلر انجام شد که بر پایه رویکرد آسیب‌شناختی بوده و با اشاره‌هایی کلی در مورد کودکی هیتلر، روابط او با والدینش، شخصیت دیگرآزار پدر او و وابستگی اودیپی، وی را در کانون توجه قرار داده است (بنی‌جمالی، ۱۳۸۸: ۶۲). در برخورد با مسئله آلمان در جنگ جهانی دوم اگر با زاویه دید سطح تحلیل ملی به تحلیل سیاست خارجی پرداخته شود، پرسش اصلی این خواهد بود که چرا آلمان تسلیم شد؟ از این منظر شاید با استفاده از روش تاریخی بتوان پاسخی منطقی دریافت کرد، لکن در سطح تحلیل فردی و جایی که روانشناسی وارد حوزه سیاست می‌شود، این پرسش مطرح خواهد شد که چرا هیتلر تسلیم شد؟ و پرسش‌هایی از قبیل چگونگی مدل تصمیم‌گیری هیتلر، زندگی وی، روند تصمیم‌گیری در آلمان و... مطرح خواهد شد. از این نظر در پژوهش حاضر، سطح تحلیل فردی مدنظر بوده و نقش رهبران در ورود به جنگ و منازعات و یا ایجاد صلح و امنیت مورد پرسش و بررسی قرار گرفته است.

^۱. CIA

از آنجاکه «شخصیت را می‌توان تمامی سیستم تمایلات نسبتاً پایدار روانی و جسمی هر فرد تعریف کرد، تمایلاتی که نحوه تطابق وی را با محیط روانی، اجتماعی و مادی معین می‌کند» (انتظاری هروی، ۱۳۹۴)، بنابراین، برای اینکه بتوان شخصیت یک رهبر سیاسی را تحلیل کرد، باید به سراغ زمینه‌های ایجاد شخصیت وی رفت. تصمیم‌های سیاست خارجی به‌ویژه در کشورهایی که شخصیت‌محور هستند، به‌طور عمده ناشی از ویژگی‌های شخصیتی رهبران است؛ به‌عنوان مثال در کشورهای جنوب به‌ویژه در مورد رهبران دو کره و ویتنام تأثیرگذاری رهبران بسیار چشمگیرتر است (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۶۰).

اگر صلح وضعیتی آرام، بی‌دغدغه و دور از جنگ و منازعه تعریف شود، رفتار سیاسی و شخصیت بازیگران کلیدی ایفاکننده نقش‌های حساس، بسیار تعیین‌کننده است. تصمیم آنها برای ورود یک کشور به جنگ و منازعه و یا اتخاذ هر نوع تصمیمی در دوره جنگ می‌تواند سرنوشت مردم آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد. نقش رهبران در مرحله پیش از وقوع هرگونه منازعه، یعنی در شرایطی که صلح بر روابط میان دولت‌ها حاکم است، در مرحله تصمیم‌گیری برای ورود به جنگ، شروع آن، نحوه جنگیدن و تصمیم‌گیری درباره خروج و پایان بخشیدن به آن وضعیت، قابل تأمل است. باید توجه داشت که در نهایت دستورها و تصمیمات مرتبط با جنگ ناگزیر، منوط به فرمان تصمیم‌گیرندگان است.

زمانی که تصمیم‌گیرندگان دست به تفسیر، تعبیر و اخذ تصمیم بزنند، توسط «فرضیه‌های ناگفته‌ای»^۱ هدایت می‌شوند که انگیزه‌ها و اهداف، جهان‌بینی و شیوه‌های تصمیم‌گیری آنها در آن نهفته است. شاید منازعه گریزناپذیر باشد، ولی جنگ این‌گونه نیست. گاهی اوقات - به‌عنوان مثال در دوره جنگ خلیج فارس - این فرضیه‌های ناگفته در شخصیت‌های رهبران می‌تواند تمامی وجوه افتراق را تشکیل دهد (ای. رنسون، ۱۳۷۶: ۱۶۷). در مقطعی از جنگ خلیج فارس، دو طرف منازعه در یک دوره، جنگ را شخصی انگاشته‌اند که آثار این نگرش در صحبت‌های آنها نیز متبلور است.

^۱. Unspoken Assumption

تاریخ معاصر هم نشان از وجود داستان پرقدرتی، همچون گورباچف^۱ در به پایان رساندن جنگ سرد یا چرچیل در به پیروزی رساندن انگلیس در جنگ جهانی دوم، دارد و هم رهبرانی که به واسطه ظهور دیکتاتوری‌های وحشتناک، پررنگ شده‌اند و با تصمیم‌های شوم خود، به دنبال محکوم کردن دیگران بوده‌اند (Weinberg, 2012: 1).

در سال ۱۹۷۸ در فرایند مذاکرات صلح کمپ دیوید میان مصر و رژیم صهیونیستی، گروهی از کارشناسان روانشناسی سیاسی در دستگاه وزارت امور خارجه امریکا اقدام به انجام بررسی‌های روانشناختی در مورد *انور سادات* و *مناخیم بگین*، رهبران مصر و رژیم صهیونیستی، و ارائه آن به مذاکره‌کنندگان امریکایی کردند. این بررسی‌ها به ظاهر به حدی در شناخت انگیزه‌ها و مسائل شخصیتی این رهبران و در پی آن، در پیشبرد مذاکرات مؤثر بودند که ستایش کارتر، رئیس‌جمهور وقت امریکا از این گروه مشاوره‌ای و درخواست گسترش خدمات روانشناختی در مذاکرات و تصمیم‌سازی‌های سیاسی بعدی را به دنبال داشت (بنی جمالی، ۱۳۸۸: ۶۵-۶۴). «شلومو گازیت^۲ می‌گوید اگر در سال ۱۹۸۲، رابین^۳ و پرز^۴ به جای بگین و شارون^۵ رهبری رژیم صهیونیستی را در دست داشتند، احتمالاً حمله‌ای به لبنان انجام نمی‌شد» (هیل، ۱۳۸۷: ۱۰۴). تصمیم‌گیرندگان ژاپنی پیش از جنگ جهانی دوم، خود را بر سر یک دوراهی دیدند. یکی گسترش سلطه خود بر آسیا و دیگری چشم‌پوشی از موجودیت خود، و یا برخی از پژوهشگران گفته‌اند توسعه‌طلبی آلمان پیش از جنگ جهانی دوم به دلیل احساس ناامنی‌ای بوده است که تصمیم‌گیرندگان در آن برهه زمانی نسبت به همسایگان قدرتمند خود داشتند. هنگامی که یک نفر تصویری به‌ویژه خصمانه - از دیگری در ذهن می‌پروراند، اطلاعات مبهم و حتی ناسازگار را نیز با آن تصویر همانند می‌سازد (جرویس، ۱۳۹۱) و همین برداشت‌های شخصی نامتناسب می‌تواند علت بروز یک جنگ باشد. بنا به آنچه در این قسمت گفته شد، اهمیت روانشناسی سیاسی و شناخت شخصیت رهبران به‌اندازه‌ای

^۱. Mikhail Sergeevich Gorbachev

^۲. Shlomo Gazit

^۳. Yitzhak Rabin

^۴. Shimon Peres

^۵. Ariel Sharon

است که قابل اغماض نبوده و نیاز به واکاوی هرچه دقیق‌تر و بیشتر این مهم بسیار ملموس است.

۲. شخصیت‌شناسی

در این بخش، پیش از ورود به بحث شخصیت‌شناسی، نگاهی گذرا به سهم رهبران در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی خواهیم داشت. تصمیم‌سازی سیاست خارجی اتخاذ نوع خاصی از تصمیمات است و مؤلفه‌هایی چون نقش دستگاه‌ها، نهادها و مشاوران نیز در اتخاذ آن سهمیم هستند. «سه نوع متفاوت از «واحدهای تصمیم‌گیرنده»^۱ وجود دارد؛ رهبران غالب^۲، گروه‌های کوچک^۳ و ائتلاف‌ها^۴. هنگامی یکی از این واحدها تبدیل به «واحد نهایی تصمیم‌گیرنده»^۵ می‌شود که اختیار یا قدرت متعهد ساختن منابع دولت را داشته باشد. حتی زمانی که یک فرد به‌طور رسمی اختیار تصمیم‌گیری دارد، ممکن است به گروه نزدیکی از مشاوران وابسته باشد و حتی شاید اختیار خود را به آنها واگذار کند» (G. Hermann, 2001). گرچه در امر تصمیم‌گیری، فردی در رأس حکومت، تعیین‌کننده نهایی به‌شمار می‌آید، لکن نمی‌توان از نقش مشاوران و معاونان غفلت کرد. شخصیت‌شناسی رهبر علاوه‌بر پیش‌بینی‌پذیر کردن سیاست‌های اتخاذشده از سوی وی در عرصه داخلی و خارجی، می‌تواند در تحلیل اطرافیان و مشاوران وی نیز مؤثر باشد. در واقع، نوع شخصیت رهبر در سازمان‌دهی مشاورانش و نحوه‌گزینش آنها مؤثر است. رهبری که در اندیشه تغییر و تحول باشد و شخصیتی متناسب با اعمال تحول داشته باشد، در جمع مشاوران خود از نظرها و اندیشه‌های مخالف بیشتر استقبال می‌کند و به‌دنبال متخصصان است، ولی افرادی که متعصبانه می‌اندیشند، به‌دنبال نظرات مشابه و مدافع خود می‌گردند و مخالفان را بر نمی‌تابند.

^۱. Decision Units

^۲. Predominant Leaders

^۳. Small Groups

^۴. Coalitions

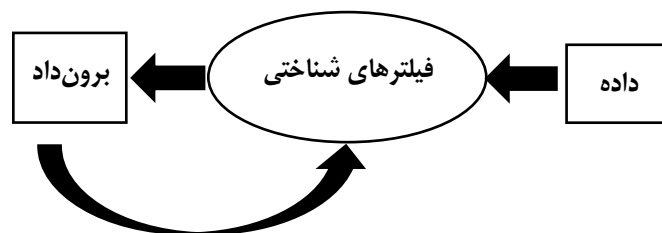
^۵. Ultimate Decision Unit

۱-۲. مکتب شناخت و شخصیت‌شناسی رهبران

مکتب شناخت با درنظر گرفتن این اصل که تنها عقل، راهنمای عمل تصمیم‌گیرندگان نیست، عوامل متعددی را بر شکل‌گیری دریافت فرد از محیط و درنهایت اتخاذ تصمیم، مؤثر می‌داند و با تأکید بر برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان، به این نتیجه می‌رسد که حقیقت عاری از ارزش و هیجان وجود ندارد. به‌طور عمده، این مکتب با توجه به گفتارها و نوشتارهای تصمیم‌گیرندگان، سعی در پی بردن به برداشت آنها از حقیقت دارد تا از این راه به علت رفتار آنها پی برده و تصمیم‌های آتی‌شان را پیش‌بینی کند.

مکتب شناختی، رویکرد به آزادی، انتخاب و آفرینندگی را مطرح می‌کند. این مکتب بازتاب پدیده‌ها را به‌صورت یک «کل پویا» درنظر می‌گیرد. طرفداران این مکتب رفتار را اساساً بر مبنای رمزگردانی و طرح‌واره‌های کلی ادراک‌های ذهنی، تعبیر و تفسیر می‌کنند و بیشتر بر محور موقعیت‌های کنونی به مفهوم کلی آن توجه دارند (نیکزاد، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۰). علوم عصب‌شناسی، فلسفه ذهن، زبان‌شناسی و روانشناسی همه به‌دنبال یک هدف مشترک هستند و آن، شناخت رفتار آدمی است.

اهمیت فرایند تفکر در این علوم به‌مراتب بیشتر از رفتارگرایی است. تمامی دریافت‌های انسان از جهان خارج که توسط گیرنده‌های حسی همچون شنوایی و بینایی وارد شبکه پردازشگر ذهن می‌شوند، از فیلترهای متعددی عبور کرده و درنهایت، برون‌داد آن در قالب رفتار حرکتی یا گفتار و به‌عبارت بهتر، تصمیم نمایان می‌شود. گرچه باید درنظر داشت که همان برون‌دادها نیز بار دیگر به‌عنوان فیلترهای ثانویه و جدیدی در سیستم پردازشگر ذهن عمل خواهند کرد.



روند اهمیت یافتن شخصیت را به‌طور خلاصه می‌توان در یک زنجیره یافت؛ شناخت شخصیت فرد در فهم رفتارها، افکار و تصمیم‌های وی مؤثر است و تصمیم‌های فرد در عرصه

سیاست‌گذاری خارجی مهم تلقی می‌شود. «افراد ایجادکننده سیاست خارجی هستند و از آنجا که متفاوت می‌اندیشند، متفاوت رفتار می‌کنند و به دلیل اینکه هر رفتاری در عرصه سیاست خارجی دارای ریشه‌های روانشناختی است، نمی‌توان آن را به فشارهای سیستماتیک و نهادی تقلیل داد. به طور خلاصه باید گفت، دولت همان تصمیم‌سازانش است» (W.Hook, 2011: 924). زمانی که حوزه مطالعاتی از سطح کلان به خرد نزدیک می‌شود، اهمیت شناخت شخصیت رهبران در سیاست خارجی بیش از پیش خودنمایی می‌کند. شناخت شخصیت‌ها با دو نگره نزدیک و دور قابل بررسی است. نگره نزدیک مربوط به شناخت فرد و تحلیل رفتار کنونی وی، عادی یا غیرعادی بودن رفتار و مواردی از این دست است و نگره دور یا آینده‌نگری آن مربوط به پیشگیری و اقدام احتمالی است. آنچه برای این پژوهش بیش از هر چیزی اهمیت دارد، دو مبحث شناخت شخصیت و احتمال پیش‌بینی رفتار افراد است.

شخصیت اگر به‌زعم پیه رون^۱ حالت توحید یافتگی فرد همراه با کلیه ویژگی‌های افتراقی و روش‌های رفتاری وی باشد، یا مطابق با دیدگاه آدلر^۲ سبک زندگی (سبک خاصی که هر کس برای کنار آمدن با محیط به کار می‌بندد) (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۳۶) و یا به تعبیر گردن ویلارد آلپرت^۳، سازمان با تحرک (زنده) دستگاه بدنی و روانی فرد آدمی، که چگونگی سازگاری اختصاصی آن فرد را با محیط تعیین می‌کند (سیاسی، ۱۳۷۱: ۱۸۵)، در نهایت یک نتیجه از آن به دست می‌آید؛ اینکه شخصیت فرد، تعیین‌کننده رفتار وی در طول حیاتش و در هر عرصه‌ای اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... خواهد بود.

با مطالعه نظریه‌های اندیشمندان در حوزه شخصیت‌شناسی، آشکار خواهد شد که عوامل مؤثر بر شخصیت به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: ۱. عوامل وراثتی؛ ۲. عوامل محیطی؛ و ۳. تعاملی از هر دو. این تقسیم‌بندی در راستای پاسخ به این پرسش ارائه شده است که به‌راستی رهبران از ابتدا رهبر زاده می‌شوند و یا رهبر می‌شوند؟ عده‌ای عوامل وراثتی را مهم دانسته و برخی بر عوامل محیطی تأکید داشته‌اند. در بحث عوامل وراثتی به

^۱. H. Pieron

^۲. A. Adler

^۳. Gordon Willard Allport

مواردی همچون تأثیر فیزیک و ظاهر افراد بر اندیشه و روان آنها اشاره شده است که از نظر نگارندگان، منسوخ و نارسا هستند، اما مؤلفه‌های وراثتی همچون ژن، ساختار سیستم عصبی و ساختمان مغز در شکل‌گیری شخصیت افراد بسیار کلیدی و مهم تلقی می‌شوند. در بحث عوامل محیطی، به تأثیر خانواده و دوران کودکی، مدرسه و همسالان، رسانه و طبقه اجتماعی بر شخصیت تأکید شده است.

احتمالاً نخستین پژوهشی که سیاست خارجی رهبر را به عوامل شخصیتی ربط داده است، تفسیر مختصر هانز ساچز^۱ با عنوان «رؤیای بیسمارک» در سال ۱۸۶۳ بوده که طرح‌های سیاسی وی (طرح‌های بیسمارک: تحریک برای جنگ پیروزمندانه با اتریش برای رسیدن به آلمان یکپارچه) را ناشی از خیال‌پردازی‌های ناهشیارانه استمناء کودکی، پیروزی‌های شهوانی و همسان‌سازی با (حضرت) موسی دانسته است (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۱۷۴).

از جمله نظریه‌های مطرح میان معتقدان به عوامل وراثتی، نظریه «بزرگ‌مرد»^۲ است. اساس نظریه رهبری «بزرگ‌مرد» این است که افرادی که رهبر می‌شوند، منحصر به فرد هستند، یعنی دارای مجموعه‌ای از کیفیت‌ها و ویژگی‌های شخصی هستند که آنها را از دیگران جدا می‌کند. در اصل، بر اساس این نظریه، جوهره وجودی این افراد به گونه‌ای است که حتی اگر شرایط ویژه‌ای هم رخ ندهد، آنها به مناصب قدرت و رهبری خواهند رسید؛ چرچیل برای چرچیل شدن نیازی به جنگ جهانی نداشت (کاتم، ۱۳۸۶: ۱۴۸). کتاب *توماس کارلیل*^۳ با عنوان «قهرمانان، قهرمان‌پرستی و قهرمان‌وار در تاریخ»^۴ که در سال ۱۸۴۱ نوشته شده بود، بر پایه این نظریه است که نظریه پردازان رفتاری، مؤلفه‌های شخصیتی افراد را مورد آزمایش قرار دادند و ثابت کردند که به قدرت رسیدن آنها ریشه در استعدادها، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی آنها دارد. سیدنی هووک^۵ نیز در کتاب «قهرمان تاریخ»^۶ خود (۱۹۴۳) بیان می‌کند که برخی افراد، پرحادثه^۷ و برخی حادثه‌آفرین^۱ هستند» (A.Couto, 2010: 20).

^۱. Hanns Sachs

^۲. Great Man Theory of Leadership

^۳. Thomas Carlyle

^۴. Heroes, Hero Worship and Heroic in History

^۵. Sidney Hook

^۶. The Hero in History

^۷. Eventful

بی‌تردید توانایی بسیج پیروان از ابعاد مهم رهبری است و به‌نظر می‌رسد که رهبری کاریزماتیک، در ذات فرد نهفته است» (ایوانز، ۱۳۸۱: ۴۵۱)، اما باید به این پرسش نیز پاسخ داد که به‌راستی کاریزما بودن، امری ذاتی و نهفته در وراثت فرد، و یا اکتسابی و متأثر از محیط رشد و یا شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه است؟ البته باید در نظر داشت که ترویج این اندیشه که رهبران در واقع رهبر متولد می‌شوند، بسیار خطرناک است، زیرا نتیجه آن چیزی جز رشد خودفریبی^۲ و بی‌مسئولیتی^۳ نخواهد بود (A.Couto, 2010: 20).

برخی از پژوهشگران بر این نظر هستند که شرایط است که نوع خاصی از رهبری را می‌طلبد نه ویژگی‌های شخصیتی شخص رهبر. افرادی که بر مؤلفه‌های محیطی تأکید دارند، طبق نظریه «موقعیت رهبری»^۴، دستیابی رهبران به قدرت را تحلیل می‌کنند. آنها بر این باور هستند که در اصل، زمینه منحصر به فرد است و نه فرد. در واقع موقعیت است که نوع رهبران و رهبری را تعیین می‌کند. در این نظریه، وقوع جنگ جهانی دوم و تحقیر سیاسی چمبرلین^۵ توسط هیتلر در مونیخ موجب شد که چرچیل از سایه بیرون آید و نخست‌وزیر انگلستان شود (کاتم، ۱۳۸۶: ۱۴۸). شپربر بر این نظر است که در میان هر ملتی بیش از هزاران هیتلر و استالین بالقوه وجود دارد، اما فقط در شرایطی از قوه به فعل درمی‌آیند که اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، چنین امکانی را به آنها بدهد و زمینه پذیرش آن از سوی مردم، مهیا شود» (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۶۳).

لکن از نظر نویسندگان، نظریه‌های شخصیت‌شناسی که مبتنی بر تعاملی از هر دو عامل بوده‌اند، گویاترین نظریه‌ها در بحث شناخت عوامل مؤثر بر شخصیت هستند. در واقع شاید بتوان نسبت وراثت و محیط در شکل‌دهی شخصیت افراد را به نسبت مظلوف و ظرف تشبیه کرد. مظلوف ممکن است هر نوع مایعی باشد، مایعی که زود سخت می‌شود و یا تا مدت‌ها سیال باقی می‌ماند، مایعی غنی از مواد مغذی یا فاقد آن، اما حتی با وجود دو مایع کاملاً مشابه، به‌محض ریخته شدن آنها در ظرف‌هایی متفاوت، دارای دو مجموعه متفاوت

1. Event Making

2. Self-delusion

3. Irresponsibility

4. Situational Theory of Leadership (Zeitgeist)

5. Neville Chamberlain

هستیم. اینجاست که تعدد ویژگی‌های ارثی و تمایز محیط‌ها و شرایط، همگی سبب‌ساز ایجاد تفاوت در شخصیت‌ها هستند.

به همین ترتیب باید میان دو مرحله دستیابی به قدرت و حفظ آن، تفکیک قائل شد. در مرحله کسب قدرت و رسیدن به جایگاه رهبری، اهمیت شرایط بسیار بیشتر از شخصیت رهبر است، یعنی محیط و فضای حاکم بر زمان، شرایط ژئوپلیتیکی و مواردی از این دست به مراتب تأثیرگذارتر از ویژگی‌های شخصیتی فرد هستند، زیرا چنین جو متشنج و خاصی نیازمند حضور رهبر است تا هدایت شود، اما اینکه رهبر در جایگاه خود چگونه ظاهر شود، موقعیت سیاسی خود را چگونه حفظ کند و تا چه حد در امر رهبری موفق باشد، ارتباط مستقیمی با ویژگی‌های شخصیتی او دارد و در اینجا شخصیت، تأثیرگذارتر از محیط است.

۲-۲. روانشناسی شناخت و اناگرام

در نظریه شناختی شخصیت، که رویکردی مدرن در روانشناسی به‌شمار می‌آید و بر نحوه اندیشیدن بشر متمرکز است، ادعا می‌شود که رویه‌های اندیشیدن بر عملکرد افراد اثرگذار است و رفتار ما به‌عنوان «پاسخ»، متأثر از عوامل بیرونی در قالب «محرک»‌ها است؛ به عبارت دیگر، رفتار ما از مجموعه محرک‌ها تولید می‌شود. چنانچه بخواهیم از نظریه شناختی برای شناخت شخصیت استفاده کنیم، لازم به ذکر است که بخشی از این نظریه که مربوط به اهمیت ذهن و استفاده از دیگر علوم در شناخت شخصیت است، قابل قبول است، اما در این نظریه جایگاه خاصی برای وراثت تعریف نشده و به‌زعم نگارندگان یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف این نظریه در شناخت شخصیت به‌شمار می‌آید؛ درحالی‌که نگارنده بر این باور است که یکی از مهم‌ترین فیلترهای شناختی، مؤلفه‌های ژنتیکی شخصیت فرد هستند. توجه این نظریه به محیط و غفلت آن از توارث، نگارندگان را بر آن داشت که با ورود یکی از جدیدترین مکتب‌ها در تیپ‌شناسی (نه در مفهوم سنخ‌شناسی و بررسی ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری افراد، بلکه در معنی تیپ‌های شخصیتی متأثر از ذهن فرد) این خلاء را پر کرده و مجموعه دقیق‌تری به‌منظور شناسایی شخصیت رهبران ارائه دهند.

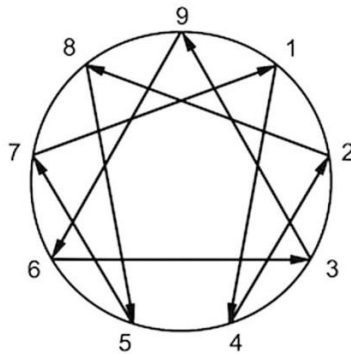
این نظریه کمکی عبارت است از «تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه اناگرام»^۱ که در آن برخی تیپ‌های شخصیتی از محیط و آموزش بیش از توارث تأثیر می‌پذیرند و در برخی دیگر از تیپ‌های شخصیتی، آنچه بیش از محیط دارای اهمیت است، وراثت، طبیعت، فطرت و ذات فرد است، اما در کنار محیط، ویژگی‌های وراثتی فرد نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. تیپ‌های شخصیت نه‌گانه اناگرام نشان می‌دهد که افراد چگونه فکر می‌کنند؟ چگونه احساس می‌کنند؟ و ریشه تحولی این تیپ شخصیتی از کجا سرچشمه می‌گیرد. هر تیبی علائق، نیازها، ترس‌ها و هیجان‌های خاص خود را دارد. با شناخت تیپ شخصیتی یک فرد می‌توان پیش‌بینی کرد که: او دنیا را چگونه می‌بیند؟ در برخورد با فشارهای عصبی چه واکنشی نشان می‌دهد؟ رفتار وی در محیط‌های امن چگونه است؟ ارتباط وی با دیگران چگونه بوده و نقاط قوت و ضعف او چیست؟ هر فردی با یکی از ۹ تیپ شخصیتی متولد می‌شود و جهت‌گیری‌های فطری و ذاتی وی تا حد زیادی تعیین‌کننده روش‌های انطباق وی با محیط خواهند بود.^(۱)

یکی از عوامل شکل‌گیری تیپ‌های شخصیتی، کودکی فرد و ارتباط او با والدین خود است.^(۲) جهت‌گیری کلی شخصیت ما بازتابی از تمام مؤلفه‌های دوران کودکی ما (اعم از ژنتیک) است. احتمالاً تیپ شخصیتی اناگرام فرد پس از پایان دوران کودکی تغییر نمی‌کند. تیپ شخصیتی به‌طور کامل ارثی نیست و بین دوقلوها نیز تیپ‌های شخصیتی مشابه وجود داشته و هم متفاوت. اناگرام، نه‌گونه شخصیتی را برای انسان تعریف می‌کند که همگی در یک مدل هندسی نمایش داده می‌شوند و همچنین شخصیت‌ها را به گروه‌های سه‌تایی احساس‌گرا (احساسی - با محوریت قلب)، عمل‌گرا (حرکتی - با محوریت مغز)، و ادراک‌گرا (ذهنی - با محوریت غریزه) تقسیم می‌کند.

هر تیپ شخصیتی ممکن است در یکی از سه مرحله رشد، سالم، متوسط و یا ناسالم باشد. هیچ‌یک از مباحث مطرح‌شده درباره تیپ‌های شخصیتی در تمامی اوقات مصداق رفتار فرد نخواهند بود، زیرا فرد همواره میان این سه سطح (سالم، متوسط و یا ناسالم) در نوسان است. (مواردی مانند ترس، اعتماد به نفس کاذب یا کمبود اعتماد به نفس، اضطراب و موارد مشابه آن، موجب نوسان حالت‌های فرد می‌شود).

¹. The Nine Enneagram Personality Types

تیپ شخصیتی پایه در فرد به تیپ شخصیتی دیگری تغییر نمی‌کند، ولی هر فردی ترکیبی از تمام الگوها و جنبه‌های شخصیتی تیپ‌های نه‌گانه را دارا است، اما هسته اصلی شخصیت فرد، ثابت است. هیچ فردی از یک تیپ شخصیتی خالص برخوردار نیست و تلفیقی از تیپ شخصیتی پایه و دست‌کم یکی از دو تیپ شخصیتی مجاور (به اصطلاح بال یا وینگ^۱ خوانده می‌شود) آن است. تیپ‌های شخصیتی به جغرافیا و جنسیت خاصی تعلق ندارند و هیچ‌یک به‌طور ذاتی زنانه یا مردانه نیستند. هیچ‌یک از تیپ‌های شخصیتی نسبت به دیگری خوب‌تر یا بدتر نبوده و به همین منظور برای دسته‌بندی آنها از اعداد - که از لحاظ ماهوی خنثی هستند - استفاده شده است. نه تیپ به یک دایره تشبیه شده‌اند؛ از آنجا که دایره رأس و قاعده ندارد، فاصله هر تیپ تا مرکز دایره برابر است، به این معنا که هیچ تیپ و هیچ موقعیتی از نظر مکانی بر تیپ‌های دیگر برتری ندارد. نوسان‌هایی که در سطوح یادشده به وجود می‌آیند، متأثر از عواملی هستند که در کنار مؤلفه‌های محیط، وراثت و نقش دوران کودکی در قالب عوامل مؤثر بر تحولات شخصیتی تبیین خواهند شد، ولی پیش از آن لازم است دایره شخصیت اناگرام و جدولی که به شرح تیپ‌های شخصیتی در آن می‌پردازد، آورده شود.



شکل شماره ۱- دایره شخصیت اناگرام

^۱. Wing

جدول شماره ۱- ویژگی‌های تیپ‌های شخصیتی بر اساس دایره اناگرام

تیپ ۱: کمال‌گرا، اصلاح‌طلب، منضبط، زودجوش	تیپ ۲: مهرطلب، کمک‌رسان، زودرنج	تیپ ۳: شهرت‌طلب، مدیر، بازیگر
تیپ ۴: هنرطلب، هنرمند، افسرده	تیپ ۵: دانش‌طلب، محقق، منزوی	تیپ ۶: عدالت‌طلب، وفادار، شکاک
تیپ ۷: تنوع‌طلب، شوخ‌طبع، بی‌ثبات	تیپ ۸: قدرت‌طلب، رهبر، خشمگین	تیپ ۹: صلح‌طلب، میانجی، تنبل

نگارندگان به‌منظور خلاصه کردن مطالب و نزدیک‌تر کردن آنها به مباحث تصمیم‌گیری و سیاست خارجی بر آن شدند که با گردآوری مجموعه‌ای از داده‌های موجود در مقاله‌ها و سایت‌هایی که به بحث درباره اناگرام پرداخته بودند، جدول تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه اناگرام را تنظیم کنند تا مؤلفه‌های موجود در هر شخصیت که احتمال تأثیرگذاری آنها بر روند تصمیم‌گیری، برخورد با مشاوران، تمایل به قدرت یا خودشیفتگی و موارد مشابه آن وجود داشت را به‌صورت منسجم به‌نمایش بگذارند (ر.ک: بخش ضمایم). درنهایت تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه اناگرام به‌دلیل جامعیت و درعین‌حال بی‌طرفی خاص آن، به‌عنوان مدل تحلیل انتخاب شد.

۳. روش‌های بررسی ویژگی‌های رهبران

عدم دسترسی به مؤلفه‌هایی همچون گروه خونی، نوار اعصاب، پرسش‌نامه و موارد مشابه آن برای رهبران، پژوهشگر را بر آن می‌دارد که تنها از روش‌های غیرمستقیم برای تحلیل شخصیت رهبران استفاده کند. البته برخی تحلیلگران از روش رمز عملیاتی که تا حدودی از روش‌های مستقیم به‌حساب می‌آید، برای درک بهتر سبک احتمالی تصمیم‌گیری و رفتار سیاسی استفاده می‌کنند.

روش رمز عملیاتی مبتنی بر تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده توسط رهبران به ده پرسش خاص درباره اعتقادات فلسفی و ابزاری آنها است. رمزهای عملیاتی از طریق بررسی سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، نوشته‌ها و سایر مطالب کلامی یا نوشته‌شده تصمیم‌گیرندگان، به‌صورت کمی یا کیفی، ساخته می‌شوند» (کاتم، ۱۳۸۶: ۵۲).

امروزه یکی از رایج‌ترین رویکردهای موجود برای اندازه‌گیری تفاوت‌ها و ویژگی‌های فردی در رهبران، فن شرح شخصیت‌نویسی، با عنوان ارزیابی و سنجش رهبر از دور^۱ (LEAD) است که توسط هرمن^۲ مطرح شده است. در این روش از فن تحلیل پاسخ‌های فی‌البداهه رهبران سیاسی در مصاحبه‌ها، در فواصل زمانی متفاوت، برای مخاطبان گوناگون و در مورد موضوعات ماهوی متفاوت استفاده می‌کنند تا شرح تفصیلی شخصیت افراد را بر اساس هفت ویژگی نیاز به قدرت، قوم‌پرستی، مرکز کنترل، پیچیدگی، اعتماد به نفس، بی‌اعتمادی به دیگران و تکلیف در رابطه میان فردی، بسنجند (کاتم، ۱۳۸۶: ۵۱).

در گذشته از روش LEAD برای تهیه شرح شخصیتی دقیقی از بیش از صدوچهل رهبر سیاسی در بیش از چهل کشور استفاده شده است. مطالعاتی که با این روش در چند دهه گذشته برای شرح شخصیت رؤسای جمهور جدید امریکا، رهبران کشورهای آفریقایی، اعضای دفتر سیاسی شوروی، رهبران انقلابی ایران، رهبر شین‌فین^۳، جری‌آدامز^۴ و دبیرکل‌های سازمان ملل متحد انجام شده است، به پژوهش‌های تجربی کمک بسزایی کرده‌اند (کاتم، ۱۳۸۶: ۵۱).

در پژوهش‌های مربوط به شخصیت‌شناسی رهبران، استفاده از روش تحلیل محتوا بر پایه سایکوبیوگرافی توصیه می‌شود. روش تحلیل محتوا کاملاً با روش LEAD که در بالا توضیح داده شد، منطبق بوده و اهمیت سایکوبیوگرافی، زمانی آشکار می‌شود که به مقوله وراثت و اهمیت مدل‌های شخصیت‌شناسی اناگرام، اشراف کامل وجود داشته باشد. به‌زعم نگارندگان با استفاده از نظریه روانشناسی شناختی^۵ و با کمک روش‌های تحلیل محتوا و LEAD می‌توان به‌طور قابل‌قبولی شخصیت رهبران را شناخت. به این منظور نگاه به تاریخچه و زندگینامه رهبر و شناسایی تیپ شخصیتی وی بر اساس مکتب اناگرام می‌تواند اهمیت دو مؤلفه مهم و تأثیرگذار بر شخصیت رهبران، یعنی وراثت و محیط را به‌طور کامل شرح دهد.

¹. Leader Evaluation & Assessment at a Distance

². Margaret Hermann

³. Sinn Féin

⁴. Gerry Adams

⁵. Cognitive Psychology

۱-۳. تأثیر فیلترهای شناختی بر رهبران

رهبران نیز همانند هریک از افراد جامعه دارای فیلترهای شناختی ذهنی خاصی هستند. این فیلترها بر ذهن و فکر و در نتیجه تصمیم‌های آنها تأثیرگذار است.

تصمیم‌گیرندگان به‌ویژه در سازمان‌ها، با توجه به اطلاعات موجود درباره اهداف، منابع و خط‌مشی‌های دردسترس، دست به اتخاذ تصمیم‌های رضایت‌بخش می‌زنند (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۱۲۳). برای تجزیه و تحلیل بهتر تصمیم‌های رهبر، باید کشف کرد که مطلوبیت از نظر او چیست؟ این همان نظریه اقتصاد کلاسیک است که وارد حیطه روانشناسی سیاسی شده است. اگر این پیش‌فرض که همه رهبران درصدد کسب منافع ملی هستند وجود داشته باشد، باز این پرسش مطرح می‌شود که تعریف و برداشت هریک از آنها از منافع ملی چیست. در این بخش نمونه‌هایی از فیلترهای شناختی که بر تصمیم‌های رهبران تأثیر می‌گذارد، در قالب آنچه نظریه پردازان به آنها پرداخته‌اند، آورده شده است.

توسیدید^۱ مورخ یونانی در کتاب «جنگ پلوپونز» درباره تصمیم‌گیری رهبران برای صلح و جنگ، علاوه بر دلایل آگاهانه انتخاب دولتمردان و دریافت آنها از محیط سیستمی، نیروهای عمیق روانی همچون ترس، افتخارجویی و نفع را نیز مدنظر قرار داده است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۲). اگر یکی از وجوه ترس را در ریسک‌پذیری یا فقدان آن بدانیم، باید اذعان کنیم که طبق نظریه «امید»، رهبران تمایل دارند که در مواقعی که همه‌چیز به‌خوبی پیش می‌رود، با ریسک مخالفت کرده و زمانی که شرایط چندان مناسب نیست، ریسک‌پذیر باشند. در نظریه «امید» انسان‌ها برای کسب نفع و دستاورد، میل به خطرجویی داشته و برای پرهیز از زیان و آسیب، از خطرجویی پرهیز می‌کنند. مقوله «بیزاری از دست دادن»^۲ نشان می‌دهد که انسان‌ها در مورد از دست دادن‌های بالقوه حساس‌تر هستند تا دستاوردهای بالقوه. از دست دادن به‌مراتب تلخ‌تر از شیرینی به‌دست آوردن است. رهبران نیز تمایل دارند که برای حفظ داشته‌هایشان ریسک بیشتری کنند، تا برای به‌دست آوردن آنچه می‌خواهند ریسک را بپذیرند (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۸).

^۱. Thucydides

^۲. Loss Aversion

لاسول^۱ بر این نظر است که افراد سیاستمدار به گونه‌ای رفتار می‌کنند که بخشی از نیازهای شخصیتی و اساسی خود را برآورده کنند. لاسول که در بیان دیدگاه‌های خود درباره الگوی رفتار سیاسی متأثر از نظریه فروید درباره شخصیت است، اعتقاد دارد که روش افراد در دنیای سیاست «بازتابی از نیازهای باقی‌مانده از دوران تحول شخصیت» آنان است (میرلو، ۱۳۹۰). وی در کتاب خود در مورد شخصیت‌شناسی رهبران فرمولی را ارائه می‌دهد که به این شرح است:

$$p\}d\}r=P^2$$

(p): انگیزه‌های شخصی فرد که در ارتباط با پیکربندی اولیه و خانوادگی وی

سازماندهی و پرورش می‌یابند؛

(d): جایگزینی انگیزه‌های شخصی از موضوعات و اهداف خانوادگی به اهداف عمومی؛

(r): انطباق این جایگزینی در قالب منافع عمومی با استفاده از اصول عقلانی؛

(P): مرد سیاست؛

علامت } به معنی «تغییر یافتن به» می‌باشد (D. Lasswell, 1977: 75-74).

مدل پیشنهادی دی‌سی مک‌کلیلاند^۳ نشان می‌دهد که منازعات فقط هنگامی شدت

یافته و تبدیل به جنگ می‌شوند که سطوح انگیزش قدرتی آن بالا و در حال صعود، و

انگیزش پیوندجویی آن ناچیز و در حال نزول باشد. برعکس هنگامی که انگیزش قدرتی کم یا

در حال نزول، و انگیزش پیوندجویی بالا و صعودی باشد، منازعات را می‌توان به نحو

صلح‌آمیزی حل و فصل کرد (ای. رنسون، ۱۳۷۶: ۱۶۶).

بر اساس موارد بیان شده در بالا در این نظریه‌ها به عواملی همچون انگیزه، نیازهای

شخصی، ترس و انگیزش قدرت‌طلبی اشاره شده است، ولی به نظر می‌رسد تمامی آنچه در

شکل‌گیری فیلترهای شناختی ذهن انسان مؤثر هستند، در مورد رهبران نیز صادق بوده و

تصمیم‌های آنان را دستخوش تغییر می‌کنند که این موارد تنها نمونه‌هایی از آنها هستند.

¹ Harold Lasswell

² p: Private Motives of the Individual

d: Displacement of Private Motives

r: Rationalization of the Displacement

P: Political Man

}: Transformed into

³ David Clarence McClelland

۲-۳. تطبیق مدل‌های رهبری با تیپ‌های شخصیتی

در این بخش با ذکر خصیصه‌های ویژه در رهبران، مدل‌های رهبری در نظریه لاسول، سه مدل کلی رهبری و ویژگی‌های مشترک در بین دیکتاتورها، ارتباط هر ویژگی با تیپ‌های شخصیتی اناگرام ارائه شده است.

همان‌گونه که در کتاب «مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی» مارتا کاتم آمده است، سه ویژگی فردی قدرت، پیچیدگی، و تخصص درباره رهبران بسیار مورد توجه قرار گرفته و اندیشمندان بر این سه ویژگی تأکید زیادی داشته‌اند و طی مطالعات و بررسی‌هایشان به نتایج قابل توجهی در این باره دست یافته‌اند. در زیر هر یک از این سه ویژگی شرح داده شده و با تیپ‌های شخصیتی انطباق یافته‌اند.

به‌عنوان مثال، رهبرانی که نیاز به قدرت بالایی داشته‌اند، نسبت به رهبرانی که نیاز به قدرت کمتری دارند، خواستار میزان بالاتری از تسلط شخصی بر فرایند سیاست‌گذاری و اقدامات زیردستان خود هستند (تیپ شخصیتی ۳). منظور از پیچیدگی، پیچیدگی شناختی تصمیم‌گیرندگان است که به‌نوعی نشان‌دهنده نیازمندی رهبران به کسب اطلاعات کمتر یا بیشتر در شرایط پیچیده است و در واقع سطح توجه آنها به اطلاعات تازه را می‌سنجد. افراد پیچیده، هنگام تصمیم‌گیری‌ها، نیاز شناختی بیشتری به کسب اطلاعات داشته و به اطلاعات تازه، توجه بیشتری نشان می‌دهند (تیپ شخصیتی ۲)، پردازش نظام‌مند را بر پردازش اکتشافی ترجیح می‌دهند و با بار اضافی اطلاعات، بهتر از همکاران کمتر پیچیده خود کنار می‌آیند (تیپ شخصیتی ۶). افراد کمتر پیچیده به نشان دادن علایمی از جزمیت گرایش دارند (تیپ ۱)، درباره مسائل به‌صورت سیاه و سفید قضاوت می‌کنند، اطلاعاتی که نظام‌های بسته کنونی اعتقادی آنها را تهدید می‌کنند، را نادیده می‌گیرند و توانایی محدودی در تطبیق باورهای خود با اطلاعات جدید دارند (تیپ شخصیتی ۸). افراد پیچیده بیش از کسانی که کمتر پیچیده هستند، به دریافت بازخورد منفی از دیگران علاقه دارند و احتمال بیشتری وجود دارد که آن را در تصمیم‌گیری خود دخالت دهند (تیپ شخصیتی ۹). تمایل رهبران به مشورت گرفتن در تصمیم‌گیری‌ها با تخصص آنها رابطه‌ای معکوس دارد؛ در واقع مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که رهبران مجربی که خود را صاحب تخصص در حوزه سیاست می‌دانند، کمتر بر آرای مشاورانشان تکیه می‌کنند (کاتم، ۱۳۸۹: ۴۹-۴۸).

روانشناسان گروهی و اجتماعی سه نوع رهبری استبدادی، دموکراتیک (مردم‌سالار) و آزادمنش را نام برده‌اند.

رهبران مستبد، مقتدر و تکلیف‌گرا و معتقد به نظریه X هستند؛ دیدی منفی در مورد طبیعت انسان دارند، مدیران با این دیدگاه، انسان‌ها را ذاتاً تنبل و از کار و مسئولیت، گریزان می‌پندارند (تیپ‌های شخصیتی ۵ و ۶)؛ در نتیجه به علت خودخواهی و خودبینی به سازمانی که در آن مشغول کار هستند، اهمیت نمی‌دهند. چنین مدیرانی معتقد به کنترل و نظارت بر کار و هدایت افراد هستند (تیپ‌های شخصیتی ۳ و ۵).

رهبران آزادمنش بیشتر جامعه‌گرا هستند. این رهبران نظریه Y را می‌پسندند؛ نگاهی مثبت به انسان دارند و بر این نظر هستند که انسان به‌طور طبیعی علاقمند به کار است و مسئولیت کار خود را می‌پذیرد (تیپ‌های شخصیتی ۷ و ۹) و در صورتی که در شرایط ویژه‌ای قرار گیرد، تصمیم‌گیرنده، اندیشه‌ورز و خلاق است؛ در نتیجه چنین مدیرانی با اعتماد به انسان، گروه را تحت فشار قرار نداده و به آنها آزادی عمل می‌دهند (تیپ شخصیتی ۳).

جایگاه رهبری دموکراتیک، در میانه دو قطب افراطی استبداد و آزادگذاری بی‌عنان است (نیکزاد، ۱۳۸۲: ۳۴۷-۳۴۶). لاسول رهبران سیاسی را از نظر شخصیتی به سه ریخت آشوبگر^۱، اصلاح‌گر^۲ و مدیر^۳ تقسیم می‌کند که دو مورد از آنها بیمارگونه و یک مورد، شخصیت سالم است؛ البته یک رهبر سیاسی ممکن است دارای ویژگی‌های دو ریخت و یا هر سه ریخت باشد. به‌طور خلاصه ویژگی‌های هر سه دسته به شرح زیر است:

ریخت آشوبگر: ریخت اقتدارطلبی (تیپ شخصیتی ۸)، که احترام لازم را کسب نکرده (تیپ شخصیتی ۳) (از والدین، خانواده و محیط زندگی در کودکی)، گرایش و توجه شدیدی به خود داشته و در نهایت نوعی خودشیفتگی^۴ قوی در او بروز می‌کند (تیپ شخصیتی ۳ و ۷)، این تیپ شخصیتی به دنبال ایجاد تغییراتی در نهادهای جامعه به‌منظور جلب توجه دیگران به خود برای ارضا و جبران عشق و حرمت دریافت‌نشده در کودکی است. از ابتدا به

^۱. Agitator

^۲. Reformer

^۳. Administrator

^۴. Narcissitic

نهادهای اجتماعی اعتراض و انتقاد داشته (نهادهای اخلاقی، خانوادگی، مذهبی، جامعه، دولت و رهبران سیاسی و...)، و در تلاش برای ارزش‌زدایی از همه ارزش‌ها جز خودش است (تیپ شخصیتی ۳).

ریخت اصلاح‌گر: در ریخت اصلاح‌گر (تیپ شخصیتی ۱) فرد در کودکی به‌دلیل نوع خاص تربیت خانوادگی «اعتماد به خود» پیدا نکرده است (تیپ شخصیتی ۲ و ۴). هرچند به‌اندازه ریخت آشوبگر مورد بی‌توجهی نبوده، اما اطمینان و اعتماد لازم را نیز از محیط اجتماعی دریافت نکرده است و لذا اعتماد به نفس کافی نداشته و شکاک و پر از تردید است (تیپ شخصیتی ۶). این گروه از افراد که به‌دنبال یقین مطلق هستند، برخلاف ظاهرشان در باطن، احساس شک دارند و به‌دنبال تغییر جهان (تیپ شخصیتی ۵ و ۸) و محیط آلوده خود هستند.

ریخت مدیر (تیپ شخصیتی ۳ و ۸): این دسته افراد که در محیط زندگی خانوادگی شناسایی، حرمت، و اعتماد به نفس دریافت کرده‌اند (تیپ شخصیتی ۷ و ۸)، به‌دنبال خلاقیت در زندگی اجتماعی (تیپ شخصیتی ۵) و به کمال رساندن شخص و شخصیت خویش بوده (تیپ شخصیتی ۱) و چون برای شناسایی شتاب ندارند، در نتیجه آشوبگر نبوده و به‌دنبال سروسامان دادن به اوضاع اجتماعی هستند.

لاسلول با روش مطالعه بیوگرافی شخصیت‌های مهم تاریخی به این نتیجه رسید که رهبران آنارشیست، فاشیست، نازیست، لنین، موسولینی، هیتلر و برخی از رهبران اروپای غربی در اواخر قرن ۱۹ دارای ریخت آشوبگر و یا اصلاح‌گر بوده‌اند (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۷۹-۷۸). ترکیبی از ریخت آشوبگر و اصلاح‌گر، کسانی هستند که نه نیاز به حرمت و شناسایی‌شان ارضا شده است و نه اینکه اعتماد لازم را در زندگی کودکی و خانوادگی کسب کرده‌اند. این افراد، عرصه تاریخ را محل تاخت‌وتاز خود قرار می‌دهند تا کمبودهای شخصی خویش را به‌وسیله عمل سیاسی جبران کنند. این ریخت‌ها بیمارگونه‌اند. (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۸۰).

کولیدج و سگال^۱ در سال ۲۰۰۹ به این نتیجه رسیدند که میان صدام حسین، هیتلر و کیم جونگ ایل^۲ تشابه شخصیتی وجود دارد. هر سه نفر، اختلال‌های شخصیتی ضداجتماعی، خودشیفتگی (تیپ شخصیتی ۳)، اسکیزوئید و اسکیزوتایپی^۳، سادیسم و پارانویا را از خود نشان داده‌اند. فالون^۴ نیز در سال ۲۰۱۱ مدعی شده است که دیکتاتورها از نظر روانشناسی بالینی دارای اشتراک‌هایی هستند. معمولاً کاریزما، باهوش (تیپ شخصیتی ۳ و ۵)، سرشار از اعتماد به نفس (تیپ شخصیتی ۷ و ۸)، مستقل، مهارت در دروغ‌گویی، و سادیسمی بوده و تمایل شدیدی به قدرت و شهوت (تیپ شخصیتی ۸) دارند. (D. Wilson, 2012). مارگارت هرمن بر این نظر است که رهبران پرخاشگر به شدت اقتدارطلب بوده (تیپ شخصیتی ۸)، پیچیدگی فکری اندکی دارند، به دیگران اعتماد ندارند (تیپ شخصیتی ۶)، ملی‌گرا هستند و احتمالاً بر این باورند که بر رویدادهایی که در آن حضور ندارند، تا حدی کنترل دارند (هاوتن، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

با بررسی ویژگی‌های بیان‌شده در بالا و تطبیق آنها با تیپ‌های شخصیتی اناگرام به نظر می‌رسد دو تیپ ۳ و ۸ بیش از سایر تیپ‌های شخصیتی در این گروه‌ها جای می‌گیرند.

۳-۳. اهمیت آموزش رهبران

با توجه به آنچه درباره تأثیر وراثت و محیط بر شخصیت فرد و اهمیت فرد تصمیم‌گیرنده بر سیاست خارجی مطرح شد، درنهایت این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان شخصیت شکل‌گرفته یک فرد را تغییر داد؟ و یا با استفاده از روش‌های شخصیت‌شناسی علاوه بر کنترل و پیش‌بینی تصمیم‌ها، امکان ایجاد تغییر و سامان‌دهی شخصیت دیگر افراد نیز وجود دارد؟

درباره پرسش نخست باید گفت: هیچ‌کس حاضر نیست دست‌چپش را قطع کرده و تنها از دست راست خود استفاده کند، و همچنین کسی حاضر نیست بخشی از شخصیت خود را از دست بدهد (شوستروم، ۱۳۶۶: ۲۵)؛ به همین دلیل پیشنهاد می‌شود به جای

^۱. Coolidge and Segal

^۲. Kim Jong-il

^۳. Schizoid and Schizotypal

^۴. Fallon

تلاش برای حذف یک ویژگی شخصیتی، درصدد کنترل و جهت‌دهی آن ویژگی در راستای اهدافی که برای آن جایگاه متصور است، برآییم؛ البته برای کنترل یک پدیده، نیازمند شناخت آن هستیم و هرچه شناخت عمیق‌تر باشد، پیش‌بینی رفتار، دقیق‌تر خواهد بود. به‌گونه‌ای که مانس/شپربر^۱ در کتاب «بررسی روانشناختی خودکامگی»، خودکشی هیتلر^۲ پس از فروپاشی رایش سوم را سال‌ها پیش از وقوع این حادثه پیش‌بینی کرده بود.

با علم به اینکه یکی از راه‌های تحلیل سیاست خارجی هر کشور، شناخت رویه‌های رهبران مهم آن کشور است، پس از تبیین اهمیت نیروی انسانی در دستگاه سیاست خارجی و در رأس آنها، اهمیت شخص رهبر، به‌عنوان یک راهکار برای نزدیک شدن به اهداف دستگاه سیاست خارجی، باید به مسئله آموزش نگاه ویژه‌ای داشت.

آموزش رهبران سیاسی یکی از مهم‌ترین کارهای هر جامعه است. جامعه نباید اجازه دهد هیچ‌کس پیش از دریافت آموزش سیاسی، به قدرت برسد؛ بنابراین علم سیاست باید از آموزش به‌عنوان «سیاست‌پیشگیرانه» استفاده کند (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۸۱). این سیاست‌پیشگیرانه در وهله نخست برای همان جامعه و در نگاهی جهانشمول، برای جامعه جهانی کارآمد خواهد بود.

آموزش از حیث تبیین الزامات سیاست و تعیین حدود و ثغور وظایف رهبری بسیار مهم و قابل توجه است. مبحث آموزش در نگره نزدیک و دور قابل مطالعه است. در نگاهی متعادل‌تر باید گفت، بهتر است تمام افرادی که وارد سیستم تصمیم‌گیری سیاست خارجی می‌شوند، آموزش‌های سیاسی دانشگاهی و ترجیحاً عملیاتی را از پیش دیده باشند. اما با نگره‌ای دور‌تر و با نگاهی ایده‌آل‌تر می‌توان با توجه بیشتر به مسئله آموزش، تقویت ویژگی‌های شخصیتی متناسب با نقش سیاسی فرد در آینده و شناخت بخش زیادی از ویژگی‌های شخصیتی افراد در سنین کودکی، مسیر آینده آنها را بهتر جهت‌دهی کرد. درواقع می‌توان با انجام آزمون‌های شخصیت‌شناسی در سنین کودکی (زمانی که بخش اصلی شخصیت کودک تا حد زیادی شکل گرفته) گرایش‌های رفتاری و تیپ شخصیتی وی را شناسایی کرده و برنامه‌ریزی‌های آموزشی لازم برای آینده احتمالی وی را در دستورکار قرار داد.

^۱. Manès Sperber

^۲. Adolf Hitler

نتیجه‌گیری

مادامی که از فرد در سیاست سخن به میان می‌آوریم، در اصل وارد حیطهٔ روانشناسی سیاسی شده‌ایم. مطالعات روانشناسی سیاسی به‌ویژه برای تحلیل سیاسی کشورهای که بر محور شخصیت سیاسی اداره می‌شوند، همچون کشورهای دیکتاتوری و یا کشورهای که احزاب سیاسی در آنها نقش چندانی ندارند، بسیار کارآمد است. به‌منظور مطالعه رهبران سیاسی، استفاده از روش تحلیل محتوا و یا به‌زعم هرمن، روش LEAD بر پایه نظریه روانشناسی شناختی و با ملازمت سایکوبیوگرافی و مطالعات تطبیقی تیپ‌های شخصیتی اناگرام پیشنهاد می‌شود. چگونگی تأثیر محیط و وراثت بر شخصیت رهبران، و نحوهٔ دستیابی و حفظ قدرت توسط آنها به‌طور کامل در این مقاله بررسی شده است. از دیدگاه نگارندگان، در علوم انسانی هیچ نظریهٔ مطلق وجود ندارد و برای شناخت شخصیت نه می‌توان تنها به مؤلفه‌های محیطی بسنده کرد و ذات و فطرت فرد را نادیده گرفت و نه می‌توان بر ویژگی‌های ارثی افراد تکیه کرد، همه‌چیز با پیروی از اصل تعامل در کنار یکدیگر پیش می‌رود و در گذر زمان، گاهی یکی بر دیگری غالب می‌شود، اما هیچ‌کدام هرگز نفی نمی‌شوند.

هر نوع شخصیتی در رهبر منجر به ایجاد سبک خاصی از رهبری می‌شود. با تطبیق برخی ویژگی‌های شخصیتی در مدل‌های رهبری با تیپ‌های شخصیتی اناگرام این نتیجه به‌دست آمد که به‌رغم وجود ویژگی‌هایی از تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه در این مدل‌ها، در تیپ‌های خودکامه و مستبد ویژگی‌های دو تیپ شخصیتی ۳ و ۸ (تیپ ۳: شهرت‌طلب و تیپ ۸: قدرت‌طلب) بیش از همه خودنمایی می‌کردند. چنانچه گفته شد وضعیت ناسالم در این دو تیپ شخصیتی می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های عظیمی شود که بنا به قدرت منطقه‌ای و جهانی رهبر می‌تواند وسعت بیشتری پیدا کند.

شخصیت رهبران به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیرگذار است. در این میان نمی‌توان اهمیت مشاوران، معاونان و حتی زبردستان و پیروان را نادیده گرفت. به‌ویژه باید به این نکته توجه داشت که حتی در به‌قدرت رسیدن خودکامگان، فرمانبرداران و زبردستان نیز اهمیت زیادی دارند. مقولهٔ صلح و جنگ نیز از جمله مباحث مهم و کلیدی است که با رهبران سیاسی در ارتباط است، زیرا وجود

رهبرانی کارآمد و توانمند می‌تواند گامی مؤثر در اشاعه نظم و صلح در سطوح داخلی و بین‌المللی باشد.

استفاده از دانش‌آموختگان سیاسی برای مناصب مرتبط و برنامه‌ریزی‌های مدون به‌منظور تربیت و پرورش نیروهای سیاسی، از راهکارهای عملیاتی استفاده از روانشناسی سیاسی به‌منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی خواهد بود. به‌علاوه باید توجه داشت چنانچه در عرصه سیاست نیاز به گزینش وجود داشته باشد، گزینش با کمک گرفتن از روانشناسی سیاسی مثمر ثمر خواهد بود و با انجام آزمون‌های شخصیتی اناگرام به‌عنوان الگویی کامل و دقیق برای شخصیت‌شناسی می‌توان افرادی که مستعد رهبری هستند را شناسایی کرده و آنها را وارد عرصه سیاست کرد؛ رهبرانی که نه‌تنها انگیزه و قدرت لازم را داشته باشند، بلکه دچار آسیب‌های روانی خاص نبوده و بتوانند هدایت مردم یک جامعه را به‌عهده بگیرند.

ضمیمه (جدول تیپ‌های شخصیتی اناگرام با انطباق مؤلفه‌های مرتبط با تصمیم‌گیری)

تیپ ۱	تیپ ۲	تیپ ۳	تیپ ۴	تیپ ۵	تیپ ۶	تیپ ۷	تیپ ۸	تیپ ۹
تصمیم‌گیری	قاطع در نظر رومی نگران از اشتباه بودن تصمیمات				تصمیم‌گیری برایش سخت	تعامل در تصمیم‌گیری	سرعت در تصمیم‌گیری	برایشان مشکل است و همه راه حل‌ها از نظرشان درست است
مشورت با دیگران	خود رای	بسیار خوب گوش می‌دهد	فرد گرا	بی نیاز از دیگران	ترجیح می‌دهند دستور بگیرند / تعالی به مشورت		کاملاً خوددرای اما عمایل در شتیدن عقاید آنان	مشاوران خوب برای دیگران
نگاه به دیگران	نگران از مورد سو استفاده قرار گرفتن / توقع درک شدن	اهمیت بسیار به دیگران / جذب افراد قدرتمند می‌شوند	عدم پذیرش انتقاد از سوی آنان	در صدد جلب توجه دیگران	فراری از جمع و بی توجه به نظرات دیگران	شکاک	شتاسبی سریع افراد ضعیف و قدرتمند / نگاه سیاه و سفید به افراد / حمایت از دیگران در صورت تبعیت	تحت تاثیر دیگران و در صدد پاسخگویی به نیاز آنها / قدرت هماهنگی بالا یا دیگران / خدمت-رسان

شخصیت‌شناسی رهبران و جایگاه آن در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی / ۳۵

تیپ ۱	تیپ ۲	تیپ ۳	تیپ ۴	تیپ ۵	تیپ ۶	تیپ ۷	تیپ ۸	تیپ ۹
پرخورد با اشتباه دیگران	منتقد از دیگران و تصحیح آنها			در صدد اصلاح دیگران	پیدا کردن فوق العاده عیوب و پزیش-بیتی مسائل		سو استفاده (سلطه-جو)	
پذیرش اشتباه خود	بسیار زیاد						هرگز	
نگاه به خود	متوقع از خود و خودکم-بین	خودشیفته		عدم تعریف از خود و توانمندی هایشان				
تمایل به تحسین شدن	نیاز شدید به تأیید دیگران	اهمیت فراوان به تحسین و تمجید دیگران						
جاه طلبی	تا حدی	بسیار زیاد					میل به قدرت	
انعطاف پذیر یا جزم اندیش	پایبند به قوانین اخلاقی و انعطاف ناپذیر		دمدمی مزاج و در عین حال مقاوم در برابر تغییر		عدم ثبات	تکوع طلب و بی ثبات / انعطاف پذیر		قدرت انطباق شدید / گریزان از هر چیز جدید

تیپ ۹	تیپ ۸	تیپ ۷	تیپ ۶	تیپ ۵	تیپ ۴	تیپ ۳	تیپ ۲	تیپ ۱	
کار خود را به خوبی انجام می-دهد			بسیار زیاد		قابل اعتماد	بسیار کم		بسیار زیاد	قابل اعتماد و مسئولیت-پذیر
گیران از جنگ و به دنبال صلح و دوستی	در جستجوی عدالت تا حدودی جنگ طلب	مخالف جنگ و دعوا	میل به دوستی و عدالت						رویکرد به صلح و جنگ
خوش بین		خوش بین	بدبین						خوش بین یا بدبین
			محافظه کارا ریسک پذیری به هیچ وجه						ریسک-پذیری
جلبی و فراق	آسیب دیدن و کنترل شدن	محروریت و درد کشیدن	تهدید و خطر نامعلوم	کمبود اطلاعات و عدم توانایی در پاسخگویی	دیده نشدن	عدم موفقیت	طرز شدن	اشتباه کردن	توس از ...
			بسیار ناموفق		در صدد ابراز خود	بسیار موفق			در امور رقابتی
ادراک گرا	ادراک گرا	عملگرا	عملگرا	عملگرا	احساسگرا	احساسگرا	احساسگرا	ادراک گرا	عملگرا/ احساسگرا

یادداشت‌ها

۱. «انagram (تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه)»، در: www.alborznlp.com/index.php/39-enneagram.html
۲. دارابی، جعفر (۱۳۹۱)، «انagram چیست؟»، در: www.dr-darabi.com/?p=288.

منابع

الف) فارسی

- ایوانز، گراهام و نونام، جفری (۱۳۸۱)، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸)، *روانشناسی سیاسی*، تهران: سمت.
- حقیقت، صادق (۱۳۹۱)، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: انتشارات مفید.
- خوشوقت، محمدحسین (۱۳۷۵)، *تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- رنشون، استانی (۱۳۷۶)، *روانشناسی سیاسی جنگ خلیج فارس*، ترجمه جلیل روشندل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، *نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی*، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۴)، *نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی شده (مناسبت و کارآمدی)*، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- شوستروم، اورت (۱۳۶۶)، *روانشناسی انسان سلطه‌جو*، ترجمه قاسم قاضی و غلامعلی سرمد، تهران: مرکز نشر سپهر.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۷۷)، *مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی*، تهران: انتشارات بعثت.
- کاتم، مارتا و دیگران (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی*، ترجمه کمال خرازی و جواد علاقبندراد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مای لی، ر. و ربرتو، پ (۱۳۸۷)، *ساخت پدیدآیی و تحول شخصیت*، ترجمه محمود منصور، تهران: انتشارات سمت.
- نیکزاد، محمود (۱۳۸۲)، *دانستنی‌های ضروری روانشناسی*، تهران: کیهان.

- هاوتن، دیوید پاتریک (۱۳۹۳)، *روانشناسی سیاسی (موقعیت‌ها، افراد و مصادیق)*، ترجمه علی‌اشرف نظری و شهرزاد مفتوح، تهران: نشر قومس.
- هیل، کریستوفر (۱۳۸۷)، *ماهیت متحول سیاست خارجی*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بنی‌جمالی، احمد (۱۳۸۸)، «درآمدی بر روانشناسی سیاسی»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۸.
- سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۰)، «روانشناسی شناخت و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال چهارم، شماره ۲۶.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۷)، «مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- «انagram (تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه)»، در:
www.alborznlp.com/index.php/39-enneagram.html
- جرویس، رابرت (۱۳۹۱/۰۸/۲۳)، «مارپیچ صعودی ناامنی بین‌المللی»، *راسخون*، ترجمه علیرضا طیب، در:
www.rasekhoon.net/article/print/645433
- دارابی، جعفر (۱۳۹۱)، *انagram چیست؟*، در:
www.dr-darabi.com/?p=288
- میرلو، مهدی (۱۳۹۰)، *مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی*، در:
<http://www.rawanonline.com/political-psychology-htm>
۲۲. هروی، مصطفی (۱۳۹۴/۲/۲۸)، «غفلت از روانشناسی سیاسی در تحلیل جنون سیاستمداران»، *خبرگزاری فارس*، در:
www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940227001142

ب) انگلیسی

- A.Couto, Richard (2010), "Political and Civic Leadership", a **Reference Handbook**, Vol. 2, United States, Union Institute and university.
- D. Lasswell, Harold (1977), **Psychopathology and Politics**, London: The University of Chicago Press.
- Erişen, Elif (2012), **An Introduction to Political Psychology for International Relations Scholars**, Vol. 17, No. 3.
- Weinberg, Ashley. (2012). **The Psychology of Politicians**, Cambridge: Cambridge University Press.

G.Hermann, Margaret (2001), "Leaders, Groups & Coalitions", *International Studies Review*, Vol. 3, No.2.

W.Hook, Steven 2011, "Political Psychology", **International Society of Political Psychology**, Vol. 32, No. 5.

D. Wilson, Glenn (01.17.2012), *Political Psychology*, Gresham College, available at:

<http://www.gresham.ac.uk/psychology-lectures-by-glenn-d-wilson>

"Learn the Enneagram", available at:

<https://www.enneagraminstitute.com/how-the-enneagram-system-works>

"What Personality Type are you? Introduction to the Enneagram", available at: <http://aetherforce.com/what-personality-type-are-you-introduction-to-the-enneagram>.

"9 Types", available at: www.9types.com/faq.html